Readings for Candlemas – The Presentation of Christ in the Temple

Collect

Almighty and ever-living God, clothed in majesty,
whose beloved Son was this day presented in the Temple,
in substance of our flesh:
grant that we may be presented to you with pure and clean hearts, by your Son Jesus Christ our Lord, who is alive and reigns with you, in the unity of the Holy Spirit,
one God, now and for ever.

خداوند قادر مطلق و جاودان، ای جامه دارِ عظمت،
ای کسی که فرزند محبوبت در چنین روزی وقفِ خانه خدا گشت،
اینکه جوهرِ جسم ما نیز: وقفِ تو گردد، نصیبمان کن
با قلبی خالص و پاک،
بواسطه فرزندت و خداوند ما عیسی مسیح،
کسی که زنده است و با تو حکومت می کند،
در وحدت روح القدس،
خدایی یکتا، تا ابدالاباد.

Malachi 3:1-4

See, I am sending my messenger to prepare the way before me, and the Lord whom you seek will suddenly come to his temple. The messenger of the covenant in whom you delight--indeed, he is coming, says the LORD of hosts. But who can endure the day of his coming, and who can stand when he appears? For he is like a refiner's fire and like fullers' soap; he will sit as a refiner and purifier of silver, and he will purify the descendants of Levi and refine them like gold and silver, until they present offerings to the LORD in righteousness. Then the offering of Judah and Jerusalem will be pleasing to the LORD as in the days of old and as in former years.

خداوند قادر متعال می‌فرماید: "قاصد خود را می‌فرستم تا راه را برای من آماده کند. سپس خداوندی که انتظارش را می‌کشید ناگهان به خانهء خود خواهد آمد. آن رسولی که شما مشتاق دیدارش هستید خواهد آمد و عهد مرا به شما اعلان خواهد کرد."
اما کیست که یارای ایستادن در مقابل او را داشته باشد؟ و کیست که بتواند آمدنش را تحمل کند؟ زیرا او همچون آتش سوزانی است که فلز را تصفیه می‌کند و مثل صابونی است که کثیف‌ترین لباس‌ها را پاک می‌کند.
او مانند کسی که فلز را تصفیه می‌کند کاهنان را همچون طلا و نقره پاک خواهد کرد تا آنها با دل پاک هدایا را به خداوند تقدیم کنند.
آنگاه مثل گذشته، خداوند از هدایایی که مردم یهودا و اورشلیم برایش می‌آورند خشنود خواهد شد.

Psalm 24:7-10

Lift up your heads, O gates! and be lifted up, O ancient doors! that the King of glory may come in. Who is the King of glory? The LORD, strong and mighty, the LORD, mighty in battle. Lift up your heads, O gates! and be lifted up, O ancient doors! that the King of glory may come in. Who is this King of glory? The LORD of hosts, he is the King of glory.

ی دروازه‌ها، سرهای خود را بلند کنید! ای درهای قدیمی اورشلیم کنار بایستید، تا پادشاه جلال وارد شود!
این پادشاه جلال کیست؟ خداوند است! خداوند قادر مطلق؛ خداوند فاتح همهء جنگها!
ای دروازه‌ها، سرهای خود را بلند کنید! ای درهای قدیمی اورشلیم کنار بایستید تا پادشاه جلال وارد شود!
این پادشاه جلال کیست؟ خداوند است! خداوند قادر متعال! آری، اوست پادشاه جلال!

Hebrews 2:14-18

Since, therefore, the children share flesh and blood, he himself likewise shared the same things, so that through death he might destroy the one who has the power of death, that is, the devil, and free those who all their lives were held in slavery by the fear of death. For it is clear that he did not come to help angels, but the descendants of Abraham. Therefore he had to become like his brothers and sisters in every respect, so that he might be a merciful and faithful high priest in the service of God, to make a sacrifice of atonement for the sins of the people. Because he himself was tested by what he suffered, he is able to help those who are being tested.

از آنجا که این فرزندان خدا، انسان هستند و دارای گوشت و خون می‌باشند، او نیز گوشت و خون شد و به شکل انسان درآمد؛ زیرا فقط با انسان شدن می‌توانست جانش را در راه ما فدا کند و بمیرد، و با مرگ خود، قدرت شیطان را نابود سازد، شیطانی که صاحب اختیار مرگ بود. تنها از این راه بود که می‌توانست آنانی را که در تمام عمرشان در وحشت مرگ بسر می‌بردند و اسیر ترس بودند، رهایی بخشد. همهء ما می‌دانیم که او برای کمک به فرشتگان نیامد، بلکه به این جهان آمد تا انسانهایی را که به گفتهء کتاب آسمانی، از "نسل ابراهیم" می‌باشند، دستگیری نماید. به همین جهت لازم بود که او نیز از هر لحاظ مانند برادران خود گردد تا در حضور خدا، برای انسانها کاهن اعظمی دلسوز و وفادار باشد و به هنگام کفارهء گناهان، بتواند در همان حال که نسبت به انسان رحیم و کریم می‌باشد، نسبت به خدا نیز وفادار بماند. زیرا از آنجا که او خود عذاب دید و وسوسه شد، قادر است درد انسان را به هنگام عذاب و وسوسه درک کند و به کمک او بشتابد

Luke 2:22-40

When the time came for their purification according to the law of Moses, they brought him up to Jerusalem to

روزی که قرار بود والدین عیسی به اورشلیم، به خانه خدا بروند و مطابق شریعت موسی، مراسم طهارت خود را بجا آورند، عیسی را نیز به آنجا بردند تا به خداوند وقف کنند؛

present him to the Lord (as it is written in the law of the Lord, "Every firstborn male shall be designated as holy to the Lord"), and they offered a sacrifice according to what is stated in the law of the Lord, "a pair of turtledoves or two young pigeons." Now there was a man in Jerusalem whose name was Simeon; this man was righteous and devout, looking forward to the consolation of Israel, and the Holy Spirit rested on him. It had been revealed to him by the Holy Spirit that he would not see death before he had seen the Lord's Messiah. Guided by the Spirit, Simeon came into the temple; and when the parents brought in the child Jesus, to do for him what was customary under the law, Simeon took him in his arms and praised God, saying, "Master, now you are dismissing your servant in peace, according to your word; for my eyes have seen your salvation, which you have prepared in the presence of all peoples, a light for revelation to the Gentiles and for glory to your people Israel."
And the child's father and mother were amazed at what was being said about him. Then Simeon blessed them and said to his mother Mary, "This child is destined for the falling and the rising of many in Israel, and to be a sign that will be opposed so that the inner thoughts of many will be revealed--and a sword will pierce your own soul too."
There was also a prophet, Anna the daughter of Phanuel, of the tribe of Asher. She was of a great age, having lived with her husband seven years after her marriage, then as a widow to the age of eighty-four. She never left the temple but worshiped there with fasting and prayer night and day. At that moment she came, and began to praise God and to speak about the child to all who were looking for the redemption of Jerusalem. When they had finished everything required by the law of the Lord, they returned to Galilee, to their own town of Nazareth. The child grew and became strong, filled with wisdom; and the favour of God was upon him.

زیرا در شریعت آمده بود که پسر ارشد هر خانواده باید وقف خداوند گردد. پس والدین عیسی برای طهارت خود، قربانی لازم را تقدیم کردند، که مطابق شریعت می‌بایست دو قمری یا دو جوجه کبوتر باشد.
در آن زمان مردی در اورشلیم زندگی می‌کرد، به نام شمعون، او شخصی صالح، خداترس و پر از روح‌القدس بود، و ظهور مسیح را انتظار می‌کشید. روح‌القدس نیز بر او آشکار ساخته بود که تا مسیح موعود را نبیند، چشم از جهان فرو نخواهد بست.
آن روز، روح‌القدس او را هدایت کرد که به خانه خدا برود؛ و هنگامی که یوسف و مریم، عیسای کوچک را آوردند تا مطابق شریعت، به خدا وقف کنند،
شمعون، او را در آغوش کشید و خدا را ستایش کرد و گفت:
"خداوندا، اکنون دیگر می‌توانم با خیالی آسوده چشم از جهان فرو بندم، زیرا طبق وعده‌ات، او را دیدم! بلی، نجات‌دهنده‌ای را که به جهان بخشیدی، با چشمان خود دیدم!
او همچون نوری بر قومها خواهد تابید و ذهنشان را منوّر خواهد ساخت و مایه سربلندی قوم تو، بنی‌اسرائیل، خواهد شد!"
یوسف و مریم مات و مبهوت ایستاده بودند و از آنچه درباره عیسی گفته می‌شد، به شگفت آمده بودند.
اما شمعون برای ایشان دعای خیر کرد. سپس به مریم گفت: "اندوه، همچون شمشیری قلب تو را خواهد شکافت، زیرا بسیاری از قوم اسرائیل این کودک را نخواهند پذیرفت و با این کار، باعث هلاکت خود خواهند شد. اما او موجب شادی و برکت بسیاری دیگر خواهد گردید؛ و افکار پنهانی عده‌ء زیادی فاش خواهد شد!"
در خانه‌ء خدا زنی بود بسیار سالخورده به نام آنا، دختر فنوئیل از قبیله‌ء اشیر که همواره صدای خدا را می‌شنید. او پس از هفت سال شوهرداری، هشتاد و چهار سال بیوه مانده بود. آنّا هرگز خانه خدا را ترک نمی‌کرد، بلکه شب و روز به دعا می‌پرداخت و اغلب نیز روزه‌دار بود.
هنگامی که شمعون با یوسف و مریم سخن می‌گفت، آنّا نیز وارد شده، خدا را شکر نمود و به تمام کسانی که در اورشلیم چشم‌براه ظهور نجات‌دهنده بودند، خبر داد که مسیح موعود تولد یافته است.
یوسف و مریم، پس از اجرای مراسم دینی، به شهر خود ناصره در استان جلیل، بازگشتند.
در آنجا، عیسی رشد کرد و بزرگ شد. او سرشار از حکمت بود و فیض خدا بر او قرار داشت.

Prayer after Communion

Lord, you fulfilled the hope of Simeon and Anna,
who lived to welcome the Messiah:
may we, who have received these gifts beyond words,
prepare to meet Christ Jesus when he comes
to bring us to eternal life;
for he is alive and reigns, now and for ever

خداوندا، آرزوی شمعون و آنا را برآورده ساختی،
کسانی که زنده ماندند تا به مسیح خوشامد گویی کنند:
ممکن است ما که این موهبت را ماوراء کلمات دریافت کرده ایم،
زمانی که عیسی مسیح می آید برای ملاقاتش مهیا شویم
و برای ما زندگی جاودان بیاورد؛
او که زنده است و فرمانروایی می کند، تا ابد الاباد.